

موجوداتی از اعماق فضا



از ملیس تا اسپلبرگ
کارگردانان سینما
موجوداتی فضایی خلق
کرده‌اند که اغلب بازتاب
بیمها، اضطرابها و
نگرانیهای بشر است.

نوشته کلود عزیزه

موجودات فضایی وحشتناک با نوع زندگی خاص خود در لوآخر قرن نوزدهم در آثار اچ. جی. ولز پدیدار شدند. تجاوزگری آنها، مثلاً تجاوز مرزبها در کتاب جنگ دنیاها (۱۸۹۷)، انعکاس جریانهای امپریالیستی زمانه بود. این روند دست کم در غرب چند دهه ادامه داشت.

در حول و حوش همین زمان، موجود فضایی به سینما راه یافت. اما هنوز دوران کودکی خود را می‌گذرانند. ژرژ ملیس کارگران فرانسوی در فیلم معروف خود سفر به کسره ماه (۱۹۰۲) ماه را دارای حیات تصور کرد. پس از ملیس، که بیش از هر چیز به جسادوی سینما علاقه‌مند بود، عصر فیلهای کمدی و کارتونی فرا رسید. اما دنیایی که فلسف گوردهون و باک و اچرز از آن دیدار کردند هنوز بسیار شبیه دنیای واقعی بود.

سیس روز به یادماندنی - ۳۰ اکتبر ۱۹۲۸ فرا رسید - روزی که اورسن ولز میلیونها شنونده آمریکایی را وحشتزده کرد او در جریان یک برنامه رادیویی بسر مبنای جنگ دنیاها اچ. جی. ولز اعلام کرد که مهاجمان مریخی به زمین حمله کرده‌اند. در پشت سر این مسریخهای خیالی سایسه تیره‌ای که بر آن سوی اقیانوس اطلس سنگینی مس کرد محسوس بود.

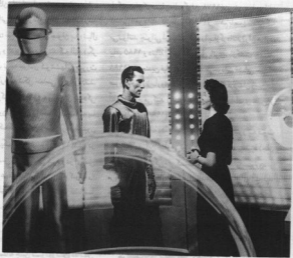
جنگ با ترس و لرزها و نگرانیها و جنون جاسوسی‌اش در گرفت. سیس در حدود سال ۱۹۲۷ سروکله پشطاب پرنده پیدا شد. با فرار رسیدن جنگ سرد، دسته دسته موجودات فضایی پرده سینماها را تسخیر کردند و الگویشان ده دوازده سالی برآمده است.

اگر بپذیریم که داستان علمی نوعی از کار ادبی است که پیشینه آن به عهد باستان بساز مسی گردد، در این صورت پدیده‌های ماورای زمینی (ای‌تی‌ها) را نیز می‌شوان در این نوع کار ادبی گنجانند. در کتاب تاریخ واقعی، اثر لوگیناتوس هجونیس یونانی و نیز در کتاب دنیای دیگر (سفری به ماه و نظری به منظومه شمسی) اثر سیرانو دو برزوراکه، نویسنده فرانسوی، مسافران از ماه و خورشید، دو کره شماری آشنای ما، دیدار می‌کنند. اما مسوجود مساورای زمینی در کتاب میکرومگای (۱۷۵۲) ولتر از ستاره شماری بدانی آمده است و دید خاص دارد. این موجودات خیالی صرفاً وسیله اسرا از عقاید سیاسی، مساورای طبیعی یا روانشناختی آفرینندگان خود بودند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات
بیتال جامع علوم انسانی

پوستر فیلم ای‌تی، ساخته
اسپلبرگ (۱۹۸۲)؛ در این فیلم
یکی از افراد یک سفینه فضایی
در لوس آنجلس جامی ماند و با
پسرکی دوست می‌شود.





در فیلم روزی که زمین از حرکت ایستاد، کلاتو (وسط) از سیاره‌ای دور دست پیام صلح به همراه می‌آورد.

زندانیان مریخیها، (۱۹۵۸) از آن جمله است؛ تماشاگران ایتالیایی از دیدن وحشت از فضا (۱۹۶۵)، کار ساریو پاپوا هر اسان می‌شدند و در انگلستان گیاهان مسخوف در روز ترفیقه‌ها (استیو سگی، ۱۹۶۲) تسل بشر را از میان بسر می‌داشتند. اما آمریکاییها از دیدن رفتار عاشقانه یک موجود فضایی و راگ اندرول در فیلم نوجوانانی از اعماق فضا (ت. گراف، ۱۹۵۹) لبخند زدند. از تماشای مهمان غریبه در سرد کیهانی (اچ. گرین، ۱۹۵۹) به چیمان آمدند و از اشتباهات مضحک جری لوئیس در نقش یک مریخی در فیلم دیدار از یک سیاره کوچک (۱۹۵۹) از خنده روده‌پر شدند. آسا سرانجام موجود فضایی رام، اهلی، و انسانی شده بود! مردم شاید کم‌کم به این نتیجه رسیده بودند که دشمنان سیاسی، داخلی یا خارجی، از دشمنی که در ناخودآگاهشان وجود داشت کمتر خطرناک است. پیام سیاره مستوع (مک‌اتود ویلکاکس، ۱۹۵۶) همین بود، هر چند که به زبانی سمبولیک ارائه شده بود.

غریبه‌ها و هیولاهای

به مقتضای سفر انسان به فضا، فیلمها رفته رفته به نقلی واقع بیانه‌تری روی آوردند و موجودات فضایی پیشین به تدریج از صحنه خارج شدند. فیلم ۲۰۰۱: اودیسه فضایی استانیلی کوبریک (۱۹۶۸) پایان عصر فیلمهای تخیلی علمی بی‌سایه را رقم زد و با ارائه جزئیات دقیق علمی، پرستشهای سوارزلی طبیعی جدیدی مطرح کرد.

آغازگر این دوره فیلم سفینه فضایی ایکس-ام کورت نوبمان بود که مریخیها را غرق در اعمال وحشیانه عصر حجر تصویر کرده بود. از آن پس موجودات فضایی به صورت پکتواخت جنگجو و دشمن خبو بودند. از مهاجمان پست طینت بایرن هاسکین در فیلم جنگ دنیاها (۱۹۵۳)، که بر اساس کتاب ولز ساخته شده بود تا اختاپوسهای غول‌پیکر ول گشت در آزمایش کوانتراس، نخستین فیلم از مجموعه ماجراهای پروفیسور کوانتراس، و سوده زلاتینی در فیلم قطره، کار ایرون اس. بیورث، همه دارای همین خصوصیت جنگ طلبی بودند.

بعضی از فیلمها از این خصوصیت کمتر استفاده می‌کردند و گاهی مشابهی از ایهام در کنارشان به چشم می‌خورد. در صردی از سیاره ایکس (۱۹۵۱)، کنار ادگار اولمر، موجود فضایی تنهایی که با په زمین می‌گفارد در همین جا می‌برد و واقع پیشاهنگ حمله آتسی موجودات فضایی است. در این زمین جزیره‌ای (۱۹۵۵)، کار جوزف نیومن، موجودات فضایی خوب و بد وجود دارند. روزی که زمین از حرکت ایستاد (۱۹۵۱)، کار رابرت وایز، تنها فیلم این دوره است که حرف منتهی دارد و قهرمان آن، کلاتو، از سیاره دیگری پیام صلح به ارمغان می‌آورد.

در دهه ۱۹۶۰، تنش‌زدایی حاکم بود، و گرسه موجودات متفرد فضایی جای‌به‌جا هنوز به چشم می‌خوردند، اما دیگر زمانه رو به دگرگونی داشت. فیلمهای زاینی هنوز موجودات فضایی را آتمخوار نشان می‌دادند؛ فیلم اینوشیروهوندا به نام

کلود عزیزه
اغل فرانسو در دانشگاه
پاریس III (سوربن) در نوول
زمان لاین و تاریخ سینما
تدریس می‌کند. نویسنده
مقالات سینمایی روزنامه
لوموند است و در تهیه شماره
روزنامه سینما کسبون در
زمینه فیلمهای مذهبی (اکتبر
۱۹۸۸) و تهیه معرفی نامه
چهارم فیلمهای انجمنی که
در مارس ۱۹۸۸ در پاریس
برگزار شد، همکاری داشته
است.

اما به قول نویسنده‌گان داستانهای علمی، «علم دشواره فتح فضا تماشاگران جوانی را که در دورهٔ سفر به فضا رشد کرده بودند ارضا نمی‌کرد؛ این تماشاگران جوان به دنبال همان سرگرمیهای تخیلی والدین خود بودند که البته دیگر وجود نداشت. برای جلب توجه جوانان کوششهایی صورت گرفت و تهیه‌کننده‌گان دوباره به شکل حماسی روی آوردند. جنگ ستارگان جورج لوکاس (۱۹۷۷) به رویاهای کودکی دامن زد و حماسه‌های قرون وسطایی را احیا کرد. حماسه با راز و رمز عرفانی فقط یک گام کوتاه فاصله دارد و استیون اسپیلبرگ در برخورد نزدیک از نوع سوم (۱۹۷۷)، که در آن به شیوهٔ خود کتاب مقدس را بازگویی کرد و در ای‌تی‌سی (۱۹۸۲)، که روایت او از عهد جدید است. این گام کوتاه را طی کرد. فهرمان این فیلم، در نقش مسیح عصر فضا با تواناییهای نامحدود که قادر است ببرد و دوباره به زندگی برگردد، اشک از چشمان میلیون‌ها آمریکایی سرازیر کرد. آیا موجودات فضایی اکنون بخشی از دنیای خردمندی و بشر دوستی می‌شوند؟ متأسفانه چنین نبود، زیرا دلایل جدیدی برای نگرانی بشر پدیدار گردید.

پایان هزارهٔ دوم قرار است که سرنوشت جهان را تعیین کند. وحشت از دیگران در واژهٔ «غریبه» تجسم یافت، واژه‌ای که نخستین بار در ۱۹۷۹ در فیلمی از ریڈلی اسکات با همین عنوان به کار رفت و به سرعت جا افتاد. در این فیلم هیولایی از اعماق فضا خود را در امعا و احشای قربانی پنهان می‌کند. یک سال پیشتر، موجودات غریبهٔ مشابهی در فیلم هجوم مرده‌زدان (فیلیپ کاوفمن)، سفر انسانها را مصرف می‌کردند و خود را به شکل انواع سبزها در می‌آوردند. در فیلم نمی‌ماند (جان کارنتز، ۱۹۸۲) این موجود قادر است که با همهٔ اشکال حیات سازگار شود و به هر شکلی در آید. مردم دیگر نمی‌توانند به یکدیگر اعتماد کنند و محکوم به آن‌اند که همواره با خطر نابودی به سر برند.

غریبه‌ها (که تصادفاً عنوان دنبالهٔ فیلم کارنتز، ساخته جیمز کامرون در ۱۹۸۶ نیز همین است) همه جا سرد آورده و دوباره به سنت دههٔ ۱۹۵۰ برگشته، اما این بار از خوفناکترین جنبه‌های فیلمهای ترسناک نیز استفاده کردند. دامنهٔ موضوع این فیلمها بسیار گسترش یافت - از مسخ پدران (بروملی دیویورت، ایکس‌تی‌آر، ۱۹۸۶) تا خطر فرزندان (تورمن جسی وارن، ایستیمینوید، ۱۹۸۰)، و عفانتهای از اعماق فضا (توب هویسر، تسیر بر روی زندگی، ۱۹۸۵) و هیولایی درنده (مک تسیرمن، هارنگر، ۱۹۸۷). فیلم غریبه‌ها که در سال ۱۹۸۸ در جشنوارهٔ کن قرار گرفت، همزمان با ظهور آن به صورت عرصهٔ جولان غریز جهاوزگری یک موجود فضایی تصور کرد که در آن موجود فضایی حتی به بانگها هم دستبرد می‌زند.

در این میان، سیاسی موسسهٔ نوردان فضایی (جان هو،

بازگشت از کوهستان جادوگران، ۱۹۷۸)، برخورد با جوانان فضایی (جو دانه، کاتشان، ۱۹۸۵) و تقاضا با میهمانانی که می‌توانند جوانی از دست رفته را بازگردانند (ران هوارد، بیله، ۱۹۸۵) و دنبالهٔ آن ساختهٔ دانیل باتری، بازگشت به بیله، ۱۹۸۸) در چندین فیلم تصویر شد. موجودات فضایی حتی به صورت زنان زیباروی و دلربایی درآمدند که فرزندان زمین با آنان ازدواج می‌کنند (ریچارد پنجمین، نساماری سن از غریبه‌هاست، ۱۹۸۸).

اما، در آستانهٔ دههٔ ۱۹۹۰، احساس خطر هنوز به قوت حضور دارد. این خطر می‌تواند از درون جامعه برخیزد (جان کارنتز، آنها زندگی می‌کنند، ۱۹۸۸)، یا از بیرون، از مریخیایی که می‌کوشند انرژی هسته‌ای را برای تسخیر حیات خود به کار برند (کاتلین چیلورز و دستریج کولب، سریال تلویزیونی آلودگی، یا جنگ جدید دنیاها، ۱۹۸۸). در همان سال مهاجمان مریخی (توب هویسر) و قطره (جساک راسل) بازار گرمی داشت.

خوبنختانه در میانهٔ این وحشیگریها اندکی طنز و شوخی نیز وجود دارد. علاوه بر فیلم کمپی مریخها، ساخته پاتریک ریپ، که در آن مریخها بعد از تسردهای بسیار بالاخره تصمیم می‌گیرند که زمین را در اختیار بگیرند، اکنون از زمان مریخها به خانه برگردید! اثر آف براون که هسو تسخیرآمیز تخیلات یک نویسندهٔ داستانهای علمی است فیلمی در دست تهیه است. این گونهٔ تخیلات موجودات فضایی را به هزاران شکلی که امروز بر پرده سینماها می‌بینیم مجسم کرده است. اضطرابها، امیدها و سرخوردگیهای نهفته هر جامعه پدر این موجودات هزار چهره را در همه جا پاشیده است.

گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
سال هفتم علوم انسانی